

کتاب دانیال - شماره صد و هفتاد و هفت

مهر و موم شدن ۱۴۴,۰۰۰ نفر: بینش‌هایی از رویای دانیال و نمادپردازی پیامبرانه

Jeff Pippenger

2024-04-07

دانیال در فصل دهم سه بار لمس شد؛ بار نخست و بار آخر توسط جبرئیل بود و لمس میانی از سوی مسیح. در همان لمس میانی بود که دانیال بیش از هر زمان فساد خود را احساس کرد، زیرا نشانه میانی حقیقت نمایانگر عصیان است. آن که بار دوم دانیال را لمس کرد، میکائیل بود، زیرا او در پایان بیست و یک روز نزول کرده بود.

در پایان سه و نیم روز نمادین، که در آن دو شاهد باب یازدهم مکاشفه مرده در کوچه افتاده‌اند، آوازی آن دو شاهد را زنده می‌سازد. این صدای رئیس فرشته است که زنده می‌کند. فرود آمدن میکائیل در باب دهم دانیال، در روز بیست و دوم، با قیام دو شاهد در سال ۲۰۲۳ منطبق است. در حالی که آن دو شاهد مرده در کوچه افتاده بودند، به حزقیال استخوان‌های پراکنده ایشان نشان داده شد و از او پرسیده شد که آیا می‌پندارد آن استخوان‌های خشک مرده در وادی می‌توانند زنده شوند، و تمام آنچه حزقیال پاسخ داد این بود: «ای خداوند، تو می‌دانی.»

آنگاه به حزقیال گفته شد که برای استخوان‌ها نبوت کند، و او چنین کرد؛ و چون چنین کرد، آنها به هم پیوستند و شکل گرفتند، اما هنوز زنده نبودند. نبوت نخست حزقیال گردآوردن استخوان‌ها بود، اما برخیزاندن استخوان‌ها به صورت لشکری، مستلزم نبوتی دوم بود. نبوت دوم حزقیال، نبوت وای سوم بود، چنان‌که به وسیله چهار بادی که استخوان‌ها را زنده ساختند، نمود یافته است. آدم نخستین کامل آفریده شد، اما سپس گناه کرد و مرگ را به تمامی نسل خود منتقل ساخت. قیام استخوان‌های مرده حزقیال با آفرینش آدم در کمال او موازی است، زیرا آدم نخست سرشته شد، و سپس خداوند نفس حیات را در او دمید.

این بدان معنا نیست که دو شاهد، وقتی دوباره زنده می‌شوند، بدن‌های جلال یافته دریافت می‌کنند، زیرا این امر تا بازگشت دوم رخ نمی‌دهد؛ اما رستاخیز آنان با رؤیای دانیال از رؤیای سببی «ماره» موازات دارد، هنگامی که به صورت همان تصویری که آنگاه مشاهده می‌کنند دگرگون می‌شوند. سطر بر سطر، فرایند مهرشدن با دقت بسیار به وسیله شهادت پیامبرانه تشریح شده است.

در مکاشفه فصل یازدهم، «پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در دو شاهد داخل شد، و آنان آنگاه بر پای خود ایستادند؛ و ترس عظیمی بر کسانی که ایشان را می‌دیدند فرو افتاد»، و سپس «صدایی عظیم از آسمان به ایشان گفت: بالا آیید. و آنان در ابری به آسمان صعود کردند و دشمنان‌شان ایشان را نگریستند.»

نخست، روح در آنان وارد شد، سپس بر پاهای خود ایستادند، و چون ایستادند، هراس بر دشمنان‌شان فروافتاد؛ همانانی که پیش‌تر بر مرگشان شادمانی کرده بودند. آنگاه صدایی آنان را فرا می‌خواند و دشمنان‌شان شاهد این واقعه می‌شوند. در نزد حزقیال، نخست به عنوان پراکنده و مرده در دره شناخته می‌شوند، سپس نبوتی اعلام می‌شود که آنان را گرد هم می‌آورد، آنگاه نبوت دوم باعث می‌شود چون لشکری نیرومند برپا شوند. در نزد دانیال، او نخست رؤیای بزرگی را می‌بیند که جدایی دو دسته را پدید می‌آورد، و سپس سه بار لمس می‌شود.

بار اول که لمسش کردند، او هیچ توانی نداشت، در خوابی عمیق بود و صورتش رو به زمین بود. خواب نماد مرگ است. با این حال، سخنانی را که گفته شد شنید.

از این تعجب نکنید؛ زیرا ساعتی می‌آید که در آن همه کسانی که در گورها هستند صدای او را خواهند شنید. یوحنا ۵:۲۸.

آنگاه جبرئیل دانیال را به خاک افکند تا بر دست‌ها و زانوهایش افتاد، و سپس به او فرمان داد که بایستد؛ او نیز، هرچند می‌لرزید، ایستاد. سپس سخنان جبرئیل را شنید، اما زبانش بند آمده بود. حزقیال نیز رؤیای مسیح را دیده بود و آن هم زنجیره‌ای مشابه از رویدادها پدید آورد.

و بالای فلکی که بر فراز سرهایشان بود، شباهتی از تخت، همچون نمای سنگ یاقوت کبود، بود؛ و بر شباهت آن تخت، شباهتی چون نمای مردی بر فراز آن قرار داشت. و دیدم چون رنگ کهربا، مانند منظره آتش که گرداگرد درون آن بود؛ از کمرش به بالا و از کمرش به پایین، دیدم که گویی منظره آتش است و پیرامونش درخشندگی بود. چنان‌که منظره رنگین‌کمان که در ابر در روز باران است، همان‌گونه بود منظره درخشندگی پیرامون. این بود منظره شباهت جلال خداوند. و چون آن را دیدم، بر رویم افتادم و صدای کسی را که سخن می‌گفت شنیدم. و به من گفت: ای پسر انسان، بر پاهایت بایست تا با تو سخن بگویم. و چون با من سخن می‌گفت، روح در من داخل شد و مرا بر پاهایم برافراشت، و صدای او را که با من سخن می‌گفت شنیدم. حزقیال ۱:۲۶-۲:۲.

آن رؤیا هر دو، حزقیال و دانیال، را چنان فروتن کرد که به خاک افتادند و بر زمین به رو افتادند. در همان حال نیز هر دو کلام خداوند را شنیدند، و هر دو برپا داشته شدند تا سخنانی را که به ایشان گفته می‌شد بشنوند، و چون آن سخنان را شنیدند، «روح در ایشان داخل شد». اتحاد با الوهیت از طریق پذیرش کلام خدا که به وسیله روح القدس منتقل می‌شود تحقق می‌یابد. «کلام» همان چیزی است که الوهیت را به بشریت منتقل می‌کند. باید این حقیقت را دریافت تا بتوان جدیت و اهمیت تاریخ نبوی را که جبرئیل در فصل یازدهم در اختیار دانیال می‌گذارد، درک کرد. تاریخ نبوی ارائه شده در فصل یازدهم همان مجرای است که از طریق آن روغن مقدس به دوشیزگان دانا رسانده می‌شود.

در مورد حزقیال، بلافاصله به او دستور داده می‌شود که پیامی به ادونتیسیم لاودیکیه‌ای ابلاغ کند، هرچند از همان آغاز به حزقیال خبر داده می‌شود که ادونتیسیم لاودیکیه‌ای به سخنان او گوش نخواهد داد، زیرا خاندان یاعی‌اند. تجربه حزقیال همان تجربه‌ای است که اشعیا در فصل ششم داشت، و بنابراین به شهادت دو شاهد، وقتی خدا دانیال را از خواب - که نمادی از مرگ است - بیدار می‌کند، پیامی برای خاندان یاعی ادونتیسیم لاودیکیه‌ای به او داده می‌شود، اما آنان نخواهند شنید.

سپس دانیال بار دوم لمس می‌شود، این بار به دست خود مسیح؛ او لب‌های دانیال را لمس می‌کند، چنان‌که پیش‌تر لب‌های اشعیا را با پاره‌ای زغال از مذبح لمس کرده بود. آنگاه دانیال توانست سخن بگوید، اما هنوز بی‌قوت بود و نفسی نداشت. به گفته حزقیال، نفس با پیام «چهار باد» می‌آید؛ و آن، دومین نبوت حزقیال بود. نبوت حزقیال درباره چهار باد با سومین لمس دانیال همخوان است، زیرا همان‌گاه نفس به درون استخوان‌ها می‌آید و آنان چون سپاهی نیرومند برپا می‌ایستند. در سومین لمس دانیال است که او قوت می‌یابد.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، قوم خدا در روزهای آخر پراکنده شدند و وارد زمان تأخیر مثل شدند. تاریخ مهرکردن از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا شورش ۱۸۶۳ به تصویر کشیده شد. خط سیر تاریخی ارائه شده در آنجا با دوره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه همپوشانی دارد، و همچنین با سیر تاریخی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه نیز همپوشانی دارد. این پدیده پیش‌گویانه بر این واقعیت استوار است که نمادها بیش از یک معنا دارند، و معنا باید بر اساس زمینه‌ای که در آن به کار می‌روند تعیین شود.

وقتی به آمدن و کار هر یک از سه فرشته می‌نگریم، همگی تابع همان توالی رویدادها هستند. آنان در زمانی می‌رسند که پیشگویی مربوط به ایشان از مهر گشوده می‌شود. آن پیشگویی بر سه گام بنا شده است: آمدنش، قدرت‌یافتنش، و در پایان، بسته شدن در. در طول آن تاریخ نشانه‌های راه دیگری هم هست، اما سه نشانه آزمون در ارتباط با آمدن هر یک از سه فرشته از این‌جا آغاز می‌شود: نخستین نشانه زمانی است که پیشگویی‌ای از مهر گشوده می‌شود. پیامی که از مهر گشوده می‌شود، از طریق یک تأیید قدرت می‌یابد، و همان تأیید و قدرت‌بخشی سپس مردان و زنان آن تاریخ را می‌آزماید. فرجام آن تاریخ محکی پدید می‌آورد که آشکار می‌کند آیا آنان که در آزمون سوم ایستاده‌اند خردمندند یا نادان.

در تاریخ میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه، می‌توان سه فرشته را شناسایی کرد. نخستین در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید، دومین در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رسید، و سومین در قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد (آزمون سنگ محک) خواهد رسید. ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منطبق است، و ۱۸۵۶ با ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ منطبق است، و ۱۸۶۳ با قانون یکشنبه منطبق است. با این حال، بازه ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ نیز با ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه مطابقت دارد، زیرا ۱۸ ژوئیه زمان رسیدن فرشته دوم تاریخ مهر شدن بود. تاریخ پس از آن همچنان به درستی صرفاً به عنوان نشانه‌های راه هر فرشته‌ای شناخته می‌شود.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، حقیقتی مهرگشایی شد که قرار بود آن نسل را بیازماید. گام دوم در آن تاریخ، زمانی است که آن دو شاهد قیام می‌کنند. سپس آنان آزموده می‌شوند که آیا نوری را که آنگاه آشکار شده است خواهند پذیرفت یا نه، همان چیزی که اکنون در جریان است. سپس در قانون یکشنبه (آزمون تعیین‌کننده)، آشکار خواهد شد که چه کسی باکره داناست و چه کسی نیست. هنگامی که این تاریخ را صرفاً به مثابه ساختار یک فرشته یگانه در نظر می‌گیریم و سپس ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا شورش ۱۸۶۳ را بر تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه منطبق می‌سازیم، درمی‌یابیم که در سال ۱۸۴۹، خواهر وایت مشخص ساخت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کرده بود تا باقیمانده قوم خود را گرد آورد.

از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۹، قوم خدا پراکنده شده بودند. در ۱۸۵۰ آنان دومین آن دو لوح حقوق را تهیه کردند. در ژانویه ۱۸۵۱، نمودار جدید را در ریویو تبلیغ می‌کردند. قوم خدا پراکنده بودند و فرشته سوم با نوری آمد. سپس خدا دوباره آغاز به گردآوری ایشان کرد، و آنگاه، همان‌گونه که در ۱۸۴۲ کرده بود، نمایش بصری پیامی را که باید اعلام می‌کردند فراهم نمود. نوری که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رسید، افزایشی در معرفت بود و تحت هدایت او به رشد ادامه داد، و در ۱۸۵۶ نقطه اوج آن نور معرفی شد. آن نور درباره «هفت زمان» بود؛ همان نخستین نوری که ویلیام میلر شناخت، و که به عنوان یکی از نبوت‌هایی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت، معرفی شده بود.

نور «هفت زمان» در سال ۱۸۵۶، هم پایان افزایش معرفتی بود که به میلر، پیام‌آور فرشته نخست، داده شده بود، و هم نور خاتمه‌بخش فرشته سوم که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ عطا شده بود. رد آن نور در ۱۸۵۶، هم رد افزایش معرفتی بود که در ۱۷۹۸ مهرش گشوده شد، و نیز رد افزایش معرفتی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ مهرش گشوده شد؛ و آن را کسانی رد کردند که در همان‌هنگام و همان‌جا از تجربه فیلادلفیا به تجربه لائودکیه گذار کردند. عصیان ۱۸۶۳، سومین مرحله و سنگ محک بود؛ و این امر با یک نمودار جعلی نشان داده شد که نور «هفت زمان» را حذف کرده بود.

نخستین نومیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ برای جنبش فیلادلفی فرشته اول رخ داد که ناشی از این بود که خدا دست خود را بر اشتباهی در برخی از ارقام نمودار پیشگامان ۱۸۴۳ گذاشته بود. نخستین نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بر جنبش لاودیکایی فرشته سوم وارد آمد، به سبب نادیده گرفتن این واقعیت از سوی انسان‌ها که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، مسیح دست خود را به سوی آسمان برافراشت و سوگند خورد که زمان

دیگر نخواهد بود. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، پیامی مهرگشایی شد که قرار بود این نسل از دوشیزگان را بیازماید. چنان که در ۱۸۵۰، خداوند در ۲۰۲۳ بار دیگر دست خود را دراز کرد تا استخوان‌های مرده حزقیال را که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در خیابان مرده بودند گرد هم آورد. تا سال ۱۸۵۱، بازنمایی بصری تازه‌ای از پیام وجود داشت که تحقق نبوت باب دوم حبقوق بود و بدین‌سان نشان می‌داد که پس از ۲۰۲۳، خداوند علم زنده تازه‌ای برای برافراشتن خواهد داشت که نمونه آن دو لوح حبقوق است.

دو لوح حبقوق، به وسیله دو لوح ده فرمان و نیز دو قرص نان هدیه تکان‌دادنی در عید پنطیکاست، نمونه‌وار نشان داده شده بودند. یکصد و چهل و چهار هزار نفر به‌عنوان هدیه نوبرانه شناخته می‌شوند و همان کسانی‌اند که در کتاب ملاکی، آن هدیه را «در ایام قدیم، همچون سالیان پیشین» می‌نمایانند. آنان چون هدیه تکان‌دادنی برافراشته می‌شوند تا تمام جهان آن را ببیند.

بیداری صد و چهل و چهار هزار با گردهم‌آیی آغاز می‌شود، و آن گردهم‌آیی به وسیله کلام خدا تحقق می‌یابد، زیرا استخوان‌های مرده حزقیال با شنیدن کلام خدا گرد می‌آیند، در حالی که هنوز مرده‌اند. حزقیال نماینده ابزار انسانی است که پیامی را اعلام می‌کند که استخوان‌ها را گرد می‌آورد، هنگامی که خداوند برای بار دوم دست خود را دراز می‌کند تا باقی‌ماندگان خود را گرد آورد. اشعیا، ارمیا، دانیال، یوحنا و حزقیال همگی عنصر انسانی را که پیام الهی را به استخوان‌های خشک و مرده منتقل می‌کند، شناسایی می‌کنند.

هنگامی که استخوان‌ها گرد آورده می‌شوند، خداوند افزایش معرفتی را که اندکی پیش از بسته شدن مهلت آزمایش مهرگشایی می‌شود، آشکار می‌سازد، و آن معرفت به وسیله «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است» بازنمایی می‌شود. در نبوت دوم حزقیال، نوری که مهرگشایی می‌شود، وای سوم است، که همان پیام باد شرقی است که در استخوان‌ها حیات می‌دمد و به‌گونه‌ای علی سبب می‌شود که ایشان همچون لشکر عظیم بر پا بایستند. نوری که بر دانیال آشکار می‌شود، همان نوری است که در فصل یازدهم به وسیله پادشاه شمال بازنمایی شده است. حزقیال و دانیال با هم «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است» را بازنمایی می‌کنند، که همان اخبار باد (شرقی) و پادشاه (شمال) است.

اما خبرهایی از مشرق و از شمال او را مضطرب خواهد ساخت؛ پس با خشم عظیم بیرون خواهد رفت تا نابود کند و بسیاری را به کلی از میان بردارد. دانیال ۱۱:۴۴.

در سال ۱۸۵۶، خداوند قصد داشت کار مهر نهادن بر قوم خود را به پایان رساند، اما ایشان سرکشی کردند. پیامی که او در نظر داشت برای بیرون آوردن آنان از وضعیت لائودیکه‌ای‌شان به کار گیرد، «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش بود. هنگامی که خداوند در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز به جمع‌آوری قوم خود نمود، بار دیگر پیام «هفت زمان» را به ایشان عرضه کرد، و از جمله آشکار ساخت که در روز کفاره ضدنمونه‌ای، کرنای یوبیل باید به صدا درآید، که همان زمانی نیز هست که شیپور هفتم نیز باید نواخته شود. کرنای یوبیل نمادی از «هفت زمان» است، و شیپور هفتم همان وای سوم است. هنگامی که میکائیل در باب دهم دانیال فرود آمد، دانیال نماینده کسانی بود که تجربه آنان را که دعای لایوان بیست‌وشش را می‌خوانند به دست می‌آورند، و نیز کسانی را که در پی فهم راز نبوی باب دوم دانیال هستند.

دانیال نمایانگر کسانی است که به وسیله صدای خدا گرد آورده شده‌اند، و سپس بر پای‌های خود ایستاده، تقویت می‌شوند تا پیام مشرق و شمال را اعلام کنند. آنان آن پیام را تا زمان قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، اعلام می‌نمایند. فرایند برانگیختن آن لشکر، موضوعی بسیار مفصل در نبوت است، و نقطه‌ای که در آن الوهیت در تحقق مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار با انسانیت متحد شدن را آغاز کرد، در تاریخی آغاز شد که در آیه یازدهم دانیال یازدهم بازنمایی شده است. تاریخی که از

آیه یک دانیال یازده تا آیه شانزده بازنمایی شده است، تاریخ پنهان آیه چهل را تکمیل می‌کند، یعنی «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط می‌شود.»

هنگامی که بررسی آیات سیزده تا پانزده دانیال یازده را آغاز می‌کنیم، آیاتی که نخستین بار در نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد به انجام رسید، ضروری است که اهمیت این آیات را درک کنیم. پانیوم سومین سه جنگ نیابتی است. نخستین نبرد در سال ۱۹۸۹ با پیروزی پاپیت و ارتش نیابتی آن، یعنی ایالات متحده، به پایان رسید. نبرد بعدی که به وسیله آیات یازده و دوازده بازنمایی شده و در نبرد رافیا تحقق یافت، در آن پادشاه جنوب (روسبه)، پادشاه شمال و ارتش نیابتی آن را در اوکراین شکست خواهد داد. نبرد سوم همچون نبرد نخست خواهد بود؛ با این تفاوت که پاپیت (پادشاه شمال) به وسیله ارتش نیابتی خود (ایالات متحده) بر کمونیسم (سازمان ملل متحد) غلبه خواهد یافت. اما سومین جنگ نیابتی، که همان نبرد پانیوم است، همچنین جنگ جهانی سوم را آغاز خواهد کرد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

چنان که پیچیدگی‌های چرخ‌گونه زیر هدایت دستی که در زیر بال‌های کروی‌باز بود قرار داشت، همان‌گونه نیز جریان پیچیده حوادث انسانی تحت تدبیر الهی است. در میان کشمکش و غوغای ملت‌ها، او که بر فراز کروی‌باز نشسته است همچنان امور زمین را هدایت می‌کند.

تاریخ ملت‌هایی که یکی پس از دیگری روزگار و جایگاه مقرر خود را سپری کرده‌اند و، بی‌آنکه خود معنای آن حقیقت را بدانند، ناخودآگاه بر حقیقتی گواهی داده‌اند، با ما سخن می‌گوید. برای هر ملت و برای هر فرد امروز، خدا در طرح عظیم خود جایگاهی مقرر کرده است. امروز آدمیان و ملت‌ها با شاقول در دست آن که هرگز خطا نمی‌کند سنجیده می‌شوند. همگان با انتخاب خود سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند، و خدا همه چیز را برای تحقق مقاصد خویش تدبیر می‌کند.

تاریخی که آن «من هستم» عظیم در کلام خود ترسیم کرده است، که حلقه‌ای پس از حلقه‌ای را در زنجیره نبوت به هم می‌پیوندد، از ازل تا ابد، به ما می‌گوید که امروز در سیر اعصار کجاییم و در زمان آینده چه می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت تا زمان حاضر از وقوعش خبر داده بود بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و می‌توانیم مطمئن باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است به ترتیب خود تحقق خواهد یافت.

سرنوختی نهایی همه فرمانروایی‌های زمینی به صراحت در کلام حقیقت پیشگویی شده است. در پیشگویی‌ای که هنگام صدور حکم خدا بر آخرین پادشاه اسرائیل بیان شد، چنین پیامی آمده است:

«خداوند خدا چنین می‌گوید: افسر را بردار و تاج را از سر بردار: ... پایین مرتبه را سرفراز کن و بلندمرتبه را فرو افکن. من آن را واژگون، واژگون، واژگون خواهم کرد؛ و دیگر نخواهد بود، تا آن‌که بیاید آن که حق از آن اوست؛ و آن را به او خواهم داد.» حزقیال ۲۱:۲۶، ۲۷.

تاجی که از اسرائیل برداشته شد، پیاپی به پادشاهی‌های بابل، ماد و پارس، یونان و روم منتقل شد. خدا می‌گوید: «دیگر نخواهد بود، تا زمانی که آن که حق آن از آن اوست بیاید؛ و من آن را به او خواهم داد.»

آن زمان نزدیک است. امروز نشانه‌های زمانه اعلام می‌کنند که ما بر آستانه رویدادهای بزرگ و خطیر ایستاده‌ایم. همه چیز در جهان ما در تلاطم است. پیش چشمان ما، پیشگویی نجات‌دهنده درباره رویدادهایی که پیش از آمدنش رخ خواهند داد، در حال تحقق است: «از جنگ‌ها و خیرهای جنگ خواهید شنید... قوم بر ضد قوم و مملکت بر ضد مملکت برخواهد خاست؛ و در جاهای مختلف قحطی‌ها و بیماری‌های واگیر و زلزله‌ها خواهد بود.» متی ۲۴:۶، ۷.

زمان حاضر، به گونه‌ای شگرف، مایه توجه و دلمشغولی همه زندگان است. حاکمان و دولتمردان، کسانی که در مناصب اعتماد و اقتدار نشسته‌اند، و مردان و زنان اندیشمند از همه طبقات، نگاه خود را به رویدادهایی که پیرامون ما در حال وقوع‌اند دوخته‌اند. آنان روابط متشنج و ناآرامی را که میان ملت‌ها برقرار است زیر نظر دارند. می‌بینند که شدتی فراگیر در حال چیرگی بر همه عناصر زمینی است و درمی‌یابند که رویدادی بزرگ و سرنوشت‌ساز در شرف وقوع است—جهان بر آستانه بحرانی سهمگین قرار دارد.

فرشتگان اکنون بادهای نزاع را مهار کرده‌اند تا مبادا بوزند تا زمانی که به جهان نسبت به هلاکت قریب‌الوقوع هشدار داده شود؛ اما توفانی در حال گردآمدن است، آماده تا بر زمین بشورد؛ و هنگامی که خدا به فرشتگان خود فرمان دهد بادهای را رها کنند، چنان صحنه‌ای از کشمکش پدید خواهد آمد که هیچ قلمی توان وصف آن را ندارد.

کتاب مقدس، و فقط کتاب مقدس، دیدگاهی درست از این امور ارائه می‌دهد. در اینجا صحنه‌های بزرگ پایانی تاریخ جهان ما آشکار می‌شوند؛ رویدادهایی که از هم‌اکنون سایه‌های خود را پیشاپیش افکنده‌اند و صدای نزدیک‌شدنشان زمین را به لرزه می‌اندازد و دل‌های آدمیان را از ترس از کار می‌اندازد.

اینک، خداوند زمین را تهی می‌سازد و آن را ویران می‌کند و زیر و زبرش می‌کند و ساکنانش را به هر سو پراکنده می‌سازد... آنان از قوانین تجاوز کرده‌اند، آیین را دگرگون ساخته‌اند، عهد جاودانی را شکسته‌اند. از این رو لعنت زمین را فروبلعیده است، و آنان که در آن ساکن‌اند به ویرانی دچار شده‌اند... شادی دفاها بازمی‌ایستد، هیاهوی شادمانان پایان می‌یابد، شادی چنگ بازمی‌ایستد. اشعیا 18-24:1.

'وای بر آن روز! زیرا روز خداوند نزدیک است و چون هلاکتی از جانب قادر مطلق خواهد آمد... بذر زیر کلوخ‌هایشان پوسیده است، انبارهای غله ویران شده، انبارها فرو ریخته‌اند؛ زیرا غله خشکیده است. جانوران چگونه ناله می‌کنند! گله‌های گاوان سرگردان‌اند، چون چراگاهی ندارند؛ آری، گله‌های گوسفندان نیز درمانده شده‌اند.' 'تاک خشکیده است و درخت انجیر پژمرده؛ درخت انار و نیز درخت خرما و درخت سیب، بلکه همه درختان مزرعه خشکیده‌اند؛ زیرا شادی از پسران آدم خشکیده است.' یوئیل 1:15-18، 12.

'دل من در درونم به درد آمده است؛ ... نمی‌توانم خاموش بمانم، زیرا ای جان من، صدای کرنا و بانگ جنگ را شنیده‌ای. ویرانی بر ویرانی فریاد می‌شود؛ زیرا تمام سرزمین ویران شده است.'

«نگریستم به زمین، و اینک بی‌شکل و تهی بود؛ و آسمان‌ها را، که نوری در آنها نبود. کوه‌ها را نگریستم، و اینک می‌لرزیدند، و همه تپه‌ها به نرمی می‌جنبیدند. نگریستم، و اینک انسانی نبود، و همه پرندگان آسمان گریخته بودند. نگریستم، و اینک سرزمین حاصلخیز بیابان شده بود، و همه شهرهای آن ویران شده بودند.» ارمیا ۱۹:۴، ۲۰، ۲۳-۲۶.

'افسوس! زیرا آن روز عظیم است، چنان‌که ماندنی ندارد؛ همانا زمان تنگی یعقوب است؛ اما او از آن نجات خواهد یافت.' ارمیا ۷:۳۰. تعلیم و تربیت، ۱۷۸-۱۸۱.